

# قرارداد هزاره و نهصد و نوزده

دبیر تاریخ ناحیه ۲ زنجان  
شهلا اسم خانی

## مقدمه

با پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه که منجر به سقوط نظام تزاری گردید، رژیم جدید کمونیستی که مدعی طرفدار توده‌ها بود در صدد برآمد به تجاوزات روسیه نسبت به همسایگان پایان بخشد. در نتیجه این سیاست توافق‌هایی که روسیه تزاری و انگلیس علیه تمامیت ارضی ایران با یکدیگر صورت داده بودند از بین رفت. در پایان جنگ جهانی اول، روسیه با انقلاب، آلمان با شکست و عثمانی با شکست و تجزیه از صحنه سیاست ایران، و حتی خاورمیانه، خارج شده بودند و از آن پس سرنوشت خاورمیانه در اختیار انگلستان که ریشه در این منطقه داشت قرار گرفت. آمریکا که فاتح دیگر جنگ بود، در آن زمان علاقه نداشت تا با دول اروپایی در سیاست‌های استعماری‌شان در آسیا و آفریقا همکاری داشته باشد. از سوی دیگر با سقوط روسیه تزاری که بزرگ‌ترین رقیب انگلیس در مبارزات استعماری بود نیروی دیگری که بتواند در برابر خواسته‌های آن دولت مقاومت کند وجود نداشت. در این زمان، دولت انگلیس، که فاتح اصلی جنگ بود، از اینکه ارتش روسیه ایران را تخلیه کرده خوشحال شد و در صدد برآمد با استفاده از اوضاع شرایط جدید طرح‌هایی را در خصوص طرح‌های دولت ایران و از جمله تصرف ماوراء قفقاز به اجرا درآورد. انگلیسی‌ها که از رشد جنبش‌های آزادی‌خواهی در شمال ایران برآشفته بودند کوشش داشتند آن‌ها را خفه کنند و نگذارند آثار این جنبش‌ها به مناطق دیگر به‌ویژه به هندوستان سرایت کند؛ در نتیجه خود را برای اشغال ایران آماده کردند و در اواسط سال ۱۹۱۵ سرتاسر خاک ایران را زیر نظارت خود گرفتند. آن زمان انگلستان در ایران از یک انحصار بازرگانی واقعی برخوردار بود. نفت جنوب ایران در دست انگلیسی‌ها بود. تلگراف توسط انگلیسی‌ها اداره می‌شد، علاوه بر آنکه مکاتبات پستی را نیز کنترل و بازرسی می‌کردند. بانک شاهنشاهی که دارای امتیاز انحصاری نشر اسکناس بود و به‌طور استثنایی معاملات با بقیه کشورها را در انحصار داشت نیز متعلق به انگلیسی‌ها بود. بدین ترتیب برای انگلیسی‌ها دغدغه دیگری غیر از تحمیل سیاست خود بر ایران و تحکیم هرچه بیشتر آن باقی نمی‌ماند. اما در ایران، آن‌ها در مقابل خود، سلطنت تضعیف شده‌ای را می‌یافتند که در

دست‌های پادشاه جوانی، چون احمدشاه قرار گرفته بود که گرچه بسیار مستعد و از آموزش معلمان فرانسوی برخوردار ولی خام بود و برای رهبری کشور آشوب‌زده‌ی چون ایران هنوز بسیار بی‌تجربه می‌نمود. تنها یکی از دولت‌مردان ایران بر اوضاع سیاسی کشور سلطه کامل داشت و او **وثوق‌الدوله** نخست‌وزیر، طرف ثنوی امضاکننده قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس بود. بنابراین فرصت برای استعمارگر قدرتمندی چون انگلیس بسیار مناسب بود که به شکلی ایران را در چنگال گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** قرارداد ۱۹۱۹، وثوق‌الدوله، احمدشاه

## ایران و کنفرانس صلح ورسای

دولت ایران که در نتیجه جنگ جهانی اول دچار خسارات و صدمات فراوانی شده بود و به‌خصوص در آخرین سال جنگ، به‌علت بروز قحطی هزاران نفر از مردم آن تلف شده بودند به محض اینکه کنفرانس صلح در ژانویه ۱۹۱۹ در ورسای فرانسه تشکیل شد تصمیم گرفت نمایندگان به کنفرانس اعزام کند و خواسته‌های خود را به اطلاع دول فاتح برساند. هیئت ایرانی به ریاست **مشاور الممالک انصاری** وزیر امور خارجه در معیت محمدعلی ذکاءالملک فروغی رئیس دیوان عالی کشور رهسپار فرانسه گردید و تقاضای شرکت در جلسات کنفرانس صلح را نمود. دولت انگلستان به بهانه اینکه ایران در جنگ رسماً بی‌طرف بوده و در آن شرکت عملی نداشته است با پذیرفتن هیئت ایرانی مخالفت کرد. این در حالی بود که هیئت آمریکایی متوجه حقانیت ایران شد و مساعی زیادی در مورد پذیرفتن ایران در کنفرانس به کار برد ولی انگلیسی‌ها به هیچ‌وجه حاضر به تغییر عقیده نشدند.

هیئت ایرانی که از ورود به جلسات مایوس شده بود تقاضای خود را در جزوه‌ای انتشار داد و آن را به هیئت نمایندگی عضو کنفرانس فرستاد. این تقاضا شامل سه قسمت سیاسی، اقتصادی و قضایی بود. اما باز هم، در اثر مخالفت دولت انگلستان، کنفرانس صلح ورسای به تقاضای دولت ایران ترتیب اثر نداد و البته در داخل هم وثوق‌الدوله، نخست‌وزیر، آن‌طور که باید و شاید از هیئت نمایندگی ایران پشتیبانی نکرد (مه‌دوی، ۱۳۶۴: ۳۵۸)

سه تن از وزرای ایرانی که از رجال با سابقه به‌شمار می‌رفتند در امضای قرارداد

۱۹۱۹ دست داشتند. وثوق‌الدوله، نخست‌وزیر؛ شاهزاده فیروز میرزا نصرت‌الدوله،

وزیر خارجه و شاهزاده اکبر میرزا صارم‌الدوله، وزیر دارایی وقت

کاکس، چارچوب قرارداد میان انگلستان و ایران  
رفته‌رفته شکل گرفت.

### هدف کرزن از قرارداد ۱۹۱۹

هدف لرد کرزن از بستن قرارداد ۱۹۱۹ با حکومت  
وثوق‌الدوله، استقرار نوعی نظام مستشاری در ایران  
و تحت‌الحمایه کردن غیرمستقیم کشور ما بود. زیرا  
پس از تأسیس جامعه ملل و امضای منشور آن،  
تجاوز مستقیم به استقلال کشورها و اشغال خاک  
آن‌ها رسماً ممنوع بود و در کشوری مثل ایران

### نقشه‌های انگلیس برای سلطه بر آسیا

نیروهای انگلستان که در جنگ جهانی اول فاتح  
اصلی به‌شمار می‌رفتند، سراسر ایران، خاورمیانه،  
قفقاز و ترکستان را تحت تصرف داشتند. اکنون  
هم با سقوط دولت تزاری که بزرگ‌ترین رقیب این  
دولت در مبارزات مستعمراتی بود، دیگر نیرویی  
که بتواند در برابر خواسته‌های آن دولت مقاومت  
کند وجود نداشت، به همین جهت **لرد کرزن**  
وزیر خارجه انگلستان که مظهر سیاست استعماری  
آن دولت به‌شمار می‌رفت نقشه‌های وسیعی برای  
سلطه بر سراسر آسیا مطرح کرد. (همان: ۳۶۰)

بدین منظور، انگلیسی‌ها در مرحله اول به تقویت  
جمهوری‌های ضد کمونیست قفقاز (آذربایجان،  
گرجستان و ارمنستان) پرداختند و با کمک  
مسیحیون نظامی خود، ژنرال تامپسون، نیروهایی  
را در کشورهای سه‌گانه مزبور به‌وجود آوردند تا  
در صورت پیش‌روی ارتش سرخ، بتوانند سدی در  
مقابل آن‌ها ایجاد کنند. با راهنمایی انگلیسی‌ها  
دولت جمهوری مساوات آذربایجان اقدام به برقراری  
روابط سیاسی با دول خارجی کرد که در پی آن  
دولت ایران در اوت ۱۹۱۹ و دولت عثمانی در  
ژانویه ۱۹۲۰ دولت مزبور را به رسمیت شناختند.  
در پاییز ۱۹۱۹ هیئتی به ریاست **سیدضیاءالدین**  
**طباطبایی** مدیر روزنامه رعد، که از طرفداران  
و نزدیکان وثوق‌الدوله بود، به باکو رفت تا زمینه  
انعقاد همکاری بین دو کشور را فراهم کند تا بعد به  
گرجستان و ارمنستان بپردازد. (همان: ۳۶۰)

در مرحله دوم انگلیسی‌ها به‌طور محرمانه  
وثوق‌الدوله را برای انعقاد قراردادی وارد مذاکره  
کردند که شباهت بسیاری به قرارداد تحت‌الحمایگی  
داشت. **کاکس**، وزیرمختار انگلستان، آدم بسیار  
فعالی بود و از روز ورود به تهران به جست‌وجوی  
چارچوب مناسبی برای اجرای نقشه بزرگ کرزن  
پرداخت.

وی با جدیت تمام در اندیشه نوعی قیمومت بود.  
معلوم نیست چه چیزی عاقبت کرزن و کاکس را  
واداشت که از فکر قیمومت منصرف شوند، ولی در  
گفت‌وگوهای وثوق‌الدوله و نصرت‌الدوله و فیروز و



وثوق‌الدوله

هیئت به تقاضای این سه وزیر که طی دوران پناهندگی، مواجعی معادل درآمد هنگفت املاکشان در تهران، اصفهان یا همدان دریافت کنند، صریحاً جواب رد دادند. (اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا، ۱۳۶۵، ج ۱)

### مفاد قرارداد ۱۹ اوت ۱۹۱۹

«نظر به روابطی که از قدیم بین دولتین ایران و انگلیس وجود داشت و اعتقاد به اینکه مسلمانان مشترک و اساسی هر دو دولت در آینده استحکام این روابط را ایجاد می‌نماید و از آنجایی که ترقی و سعادت ایران باید به حد کمال پیشرفت کند بین ایران از یک طرف و وزیرمختار اعلی حضرت پادشاه بریتانیای کبیر به نمایندگی از دولت خود از طرف دیگر مواد ذیل مقرر می‌گردد:

۱. دولت انگلستان با قاطعیت هر چه تمام‌تر تعهداتی را که در سابق به احترام مطلق از استقلال و تمامیت ایران نموده است تکرار می‌نماید.
۲. انگلستان، به خرج دولت ایران، امکان خدمت مستشاران متخصص را پس از مشورت با دولت ایران فراهم خواهد ساخت. این مستشاران بنا به قرارداد استخدام شده و به ایشان اختیارات کافی اعطا خواهد شد. کیفیت این اختیارات بسته به توافق بین دولت ایران و مستشاران خواهد بود.
۳. دولت انگلستان، به هزینه دولت ایران، تعداد صاحب‌منصبان و مقدار ذخایر و مهمات نوع جدید را که لازم و کفایت آن توسط یک کمیسیون مختلط از متخصصین نظامی ایران و انگلیس تصدیق شود در اختیار دولت ایران خواهد گذاشت. این کمیسیون که فوری جمع خواهند شد به منظور تخمین احتیاجات قشون متحدالشکل است که دولت ایران در نظر دارد جهت استقرار و حفظ نظم در کشور و سرحدات آن تشکیل دهد.
۴. دولت انگلستان برای تهیه وسایل نقدی اصلاحات مذکور در مواد ۲ و ۳ این قرارداد، پیشنهاد تهیه و ترتیب انجام قرضه کافی را به دولت ایران می‌نماید و تضمین مناسب آن توسط دولتین در مطالعه گمرکی و منابع دیگری که در دسترس دولت ایران باشد جست‌وجو خواهد شد. در مدت تکمیل مذاکرات این وام، دولت انگلستان از بابت آن به‌طور مساعده وجوه لازم را برای شروع اصلاحات مذکور پرداخت خواهد نمود.
۵. دولت انگلستان با تصدیق کامل به احتیاج مبرمی که دولت ایران برای توسعه وسایل

اقدام به چنین عملی یعنی اشغال دایم و مستقیم آن در حکم انتحار سیاسی بود.

### امضاکنندگان قرارداد ۱۹۱۹

سه تن از وزرای ایرانی که از رجال با سابقه به‌شمار می‌رفتند در امضای قرارداد ۱۹۱۹ دست داشتند. **وثوق الدوله**، نخست‌وزیر؛ شاهزاده فیروز میرزا **نصرت الدوله**، وزیر خارجه و شاهزاده اکبر میرزا **صارم الدوله**، وزیر دارایی وقت.

سه وزیر مذکور، که این قرارداد را از جانب دولت ایران امضا کرده بودند، بی‌آنکه اعضای دیگر کابینه را از جریان مذاکرات مطلع سازند، از عاقبت خود بی‌بمناک بودند و می‌ترسیدند که پیش از تصویب قرارداد در مجلس، انقلابی در ایران رخ دهد و زمام حکومت از دستشان خارج شود. از این جهت، برای رهایی از کیفری که احتمال می‌رفت دامنگیرشان شود، دو امتیاز اساسی از دولت بریتانیا درخواست کرده بودند:

۱. تضمین نامه کتبی دولت بریتانیا که اگر در نتیجه بسته شدن قرارداد در ایران شورش برپا شد و حکومت وثوق الدوله سقوط کرد دولت انگلستان هر سه وزیر را در یکی از مستملکات خود به‌عنوان پناهنده سیاسی بپذیرد.
  ۲. به هر کدام از این پناهندگان سیاسی در طول مدت تبعید که ممکن بود تا آخر عمرشان طول بکشد، حقوقی برابر عایدات شخص آن‌ها در ایران پرداخت شود که بتوانند بقیه عمر را در رفاه و آسایش به‌سر برند.
- وزیر مختار بریتانیا در تهران قسمت اول این تقاضا را قبول و تضمین‌نامه‌ای به شرح زیر تسلیم هر یک از وزرای سه‌گانه کرد:

عالیجناب

بر حسب اجازه‌ای که از طرف حکومت اعلی حضرت پادشاه انگلستان به دستدار داده شده است، با کمال خوشوقتی به اطلاع می‌رسانم که با توجه به قراردادی که همین امروز - نهم اوت ۱۹۱۹ - میان دولتین بریتانیای کبیر و ایران بسته شد، حکومت اعلی حضرت پادشاه انگلستان آماده است در صورت احتیاج به‌وسیله مقامات سفارت انگلیس در تهران از شما پشتیبانی کند و اگر لازم شد آن عالیجناب را در یکی از سرزمین‌های متعلق به امپراطوری بریتانیا به‌عنوان پناهنده سیاسی بپذیرد.

با احترامات: پرسی. ز. کاکس

## خبر انعقاد قرارداد ایران

### انگلیس در منابع خارجی

### انتشار یافت و طوفانی

### از خشم و غضب را در

### میان میهن پرستان ایرانی

### برانگیخت و همه یک‌دل و

### یک‌زبان بانیان و عاقدان

### قرارداد را، که ایران را در

### واقع به صورت تحت‌الحمايه

### انگلیسی‌ها در می‌آورد مورد

### شماست قرار دادند



شادروان ملک‌الشعراى بهار، که مسلماً به وثوق‌الدوله و قوام‌السلطنه دو بازیگر صحنه سیاست ایران در آن عصر ارادت می‌ورزیده است، پس از ذکر شماری از اقدامات مفید دولت مقتدر وثوق‌الدوله (کابینه دوم) از قبیل کیفی دادن اعضای کمیته مجازات و جلب و اعدام ماشاءالله خان و نایب حسین کاشی که در میدان توپخانه (امام خمینی فعلی) به دار آویخته شدند و رجبعلی و جعفر قلی راهزنان مشهور و رضا جوزانی یاغی، که به دست سردار جنگ در اصفهان انجام گرفت، می‌نویسد: «این اقدامات موجب ایجاد امنیت و مقدمه اصلاحاتی شد که اگر تا امروز باقی می‌ماند دچار مصایب تاریخی گذشته و حال نمی‌شدیم. ولی گویا راست است که «ایران نفرین کرده است». این سخن هر چند خرافی و بی‌بنیاد است اما وقتی با سیر تاریخ مقابله شود جای‌به‌جای به‌خاطر شخص متفکر خطور می‌نماید.» (شمیم، ۱۳۶۲: ۵۸۴)

### بازتاب خبر قرارداد

بلافاصله پس از امضای قرارداد، انگلیسی‌ها شروع به اجرای آن نمودند و قبل از آنکه به تصویب مجلس برسد و مراحل قانونی خود را طی کند مبلغ دو میلیون لیره با بهره‌ی هفت درصد در اختیار وثوق‌الدوله قرار دادند و یک هیئت نظامی به ریاست ژنرال ویکسون و یک هیئت مالی به ریاست سیدنی آرمیتاژ اسمیت به تهران فرستادند تا ارتش و دارایی کشور را قبضه نمایند. خبر انعقاد قرارداد ایران و انگلیس در منابع خارجی انتشار یافت و طوفانی از خشم و غضب را در میان میهن پرستان ایرانی برانگیخت و همه یک‌دل و یک‌زبان بانیان و عاقدان قرارداد را، مورد شماتت قرار دادند. دولت‌های آمریکا و فرانسه هم که از نقشه‌های جاه‌طلبانه استعماری انگلستان ناراضی بودند به جانب‌داری از ایرانیان برخاستند. دولت آمریکا برای نخستین بار دست از سیاست انزواطلبی خود در خاورمیانه کشید و لاتسینگ وزیر خارجه آن کشور در جواب لرد کرزن (که کمک آن کشور را در حفظ منافع بریتانیا در ایران خواسته بود) صریحاً اظهار داشت ایالات متحده قرارداد را تأیید نمی‌کند و سعی خواهد کرد سوءظن و نارضایتی را که در میان ایرانیان به‌وجود آمده است از بین ببرد. مطبوعات فرانسه نیز با حملات شدید به این قرارداد و سیاست استعماری انگلیس با میهن پرستان ایرانی هم‌صدا شدند. این امر باعث

حمل و نقل، هم برای پیشرفت بازرگانی و هم جلوگیری از قحطی، دارا می‌باشد حاضر است به‌منظور تشویق اقدامات مشترک ایران و انگلیس با دولت ایران در زمینه ساختمان راه‌آهن یا انواع دیگر حمل و نقل همکاری نماید ولی همیشه مشروط است بر اینکه مسائل مربوط توسط متخصصین مطالعه شود.

۶. دولتین موافقت می‌نمایند که هیئت مختلط متخصصین برای مطالعه و تجدیدنظر در تعرفه گمرکی موجود تعیین شود تا مجدداً تنظیم آن بر پایه حفظ منافع کشور و سعادت آن استوار گردد.» (آشینی و پیرنیا، ۱۳۸۰: ۹۹۳)

ظاهراً حق ایران در این موضوع رعایت شده و انگلیس قصد همکاری منصفانه و دوستانه داشت. در صورتی که برای سیاست استعماری آن کشور امکان نداشت که بتواند کوچک‌ترین منافع خود را به‌خاطر ایران از دست بدهد.

با نگاه به مواد قرارداد می‌توان دریافت که با این شیوه، انگلیسی‌ها سیطره خود را بر ارتش ایران که آن‌ها به‌ویژه در آن دوره از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بود، تثبیت می‌کردند. همچنین با ورود مستشاران به سازمان‌های اداری و دولتی ایران، نفوذ خود را در بخش‌های مختلف گسترش می‌دادند. از طرف دیگر با صدور کالاهای خود به ایران از محل تعرفه‌های گمرکی نیز منافع خود را تأمین می‌کردند. این قرارداد به قدری برای انگلیسی‌ها حیاتی بود که برای انعقاد آن بیش از یک‌صد و سی هزار لیره خرج کردند و رشوه دادند. عمده این رشوه‌ها هم به وثوق‌الدوله و نصرت‌الدوله و صارم‌الدوله تعلق گرفت و بخش دیگر به افرادی مثل سیدضیاءالدین طباطبایی و افرادی مانند ملک‌الشعراى بهار که در مدح وثوق‌الدوله اشعار زیادی گفته بود، اختصاص یافت.

ملک‌الشعراى بهار فردی ایران‌دوست بود، ولی شاید به‌خاطر همان رشوه‌ای که از بابت قرارداد ۱۹۱۹ دریافت کرد، موضع تند و پرخاش جویانه‌ای علیه آن نگرفت و هم‌صدا و هم‌دوش سایر مخالفان حرکت نکرد. او در بعضی از اشعار خود از وثوق‌الدوله تمجید نموده و موضع او را در مقابله با نهضت جنگل و سرکوب آن ستوده و از او تقدیر به‌عمل آورده است و در همان حال اقدام حسن پیرنیا معروف به مشیرالدوله را در به شهادت رساندن شیخ محمد خیابانی تقبیح نموده است. (رمضانی، ۱۳۶۲: ۵۴ - ۴۷)

ضیافت رسمی پادشاه انگلیس سخنی در مورد قرارداد اظهار کند و با همهٔ مساعی که نصرت‌الدوله و ناصرالملک نایب‌السلطنه سابق در این مورد به کار بردند زیر بار نرفت تا جایی که این موضوع باعث شد انگلیسی‌ها به احمدشاه پیغام دادند در صورت عدم اظهار موافقت با قرارداد، باعث انقراض سلسلهٔ قاجار خواهند شد. پادشاه قاجار باز هم اعتنایی نکرد و بدون هیچ اظهارنظری به نفع قرارداد، به پاریس مراجعت کرد.

و ثوق‌الدوله که از این شکست خود به شدت ناراحت شده بود برای آنکه میدان عملیاتش در ایران خالی باشد و بتواند هرچه زودتر مواد قرارداد را به موقع به اجرا بگذارد سعی کرد هرچه بیشتر شاه را در اروپا نگه دارد و به این جهت به عناوین مختلف و حتی عدم ارسال هزینهٔ سفر شاه، در مراجعت وی به ایران اشکال تراشی کرد. سرانجام احمدشاه در ژوئن ۱۹۲۰ به تهران بازگشت و مورد استقبال شایان و فراوان مردم که از مقاومت او آگاه شده بودند قرار گرفت. (مه‌دوی، ۱۳۶۴: ۳۶۰ تا ۳۶۳)

### و ثوق‌الدوله و قرارداد ۱۹۱۹

دولت و ثوق‌الدوله بدون اینکه قرارداد را از تصویب مجلس بگذراند آن را به مرحلهٔ اجرا گذاشته بود و به مشاور مالی انگلیس به نام سیدنی آرمیتاژ اسمیت نیز اختیار داد که از سوی دولت، قراردادی با شرکت نفت ایران و انگلیس ببندد و ضمن آن مبنایی تعیین شود که از روی آن بتوان منافع خالص شرکت مزبور را برای پرداخت حق‌الامتیاز به دولت ایران محاسبه کند. قرارداد مزبور در ۲۷ دسامبر ۱۹۲۰ برابر با ربیع‌الثانی ۱۳۳۶ (۱۲۹۸ خورشیدی) بسته شد. در همان روز قرارداد دیگری به امضا رسید که به موجب آن مقرر گردید شرکت نفت ایران و انگلیس جهت تسویهٔ همهٔ مطالبات عقب‌افتاده، مبلغ یک میلیون لیره به دولت ایران بپردازد.

چون مردم ایران از بسته شدن قرارداد ۱۹۱۹ ناراضی بودند و می‌دانستند که قرارداد مزبور، ایران را از دست‌نشانندگان دولت بریتانیا قرار می‌دهد در همه‌جا با آن به مخالفت برخاستند. و ثوق‌الدوله که خود آن را امضا کرده بود، با زندانی کردن مخالفان و فرستادن احمدشاه به اروپا و توقیف برخی از روزنامه‌ها به اجرای مواد قرارداد سرگرم

شد که آمریکایی‌ها و فرانسوی‌ها محبوبیت زیادی بین ایرانیان پیدا کنند و به صورت دوستان بی‌نظری جلوه نمایند.

### مسافرت احمدشاه به اروپا

دو روز بعد از امضای قرارداد و ثوق‌الدوله - کاکس، احمدشاه برای نخستین بار عازم سفر رسمی به اروپا شد. و ثوق‌الدوله، شاهزاده نصرت‌الدوله وزیر امور خارجهٔ جدید را که مورد اعتمادش بود همراه شاه کرد تا در کشورهای اروپایی وی را وادار به ایراد بیاناتی در موافقت با قرارداد بنماید. احمدشاه از تهران به استانبول و از استانبول به پاریس رفت. با اینکه سفر احمدشاه به فرانسه سفری شخصی بود، المون پوآنکاره رئیس‌جمهوری آن کشور از وی دیدن کرد و به‌طور محرمانه او را از مخالفت دولت فرانسه با قرارداد و پشتیبانی که از مساعی وی در این باره به‌عمل خواهد آمد مطمئن ساخت. به‌دنبال این ملاقات سفارت ایران در پاریس اعلامیه‌ای انتشار داد و مظلومیت دولت ایران را در مقابل انگلستان اعلام و مخالفت قاطعانهٔ ایرانیان را با قرارداد ننگین و ثوق‌الدوله - کاکس، متذکر گردید. نصرت‌الدوله از انتشار این اعلامیه عصبانی شد و ممتازالسلطنه وزیرمختار (سفیر) ایران را از سمت خود عزل کرد و دست‌تور داد پرچم ایران را بر فراز عمارت دیگری که برای سفارت انتخاب نموده بود برافراشتند. اما دولت فرانسه اعلام داشت که کماکان ممتازالسلطنه را وزیر مختار و نمایندهٔ قانونی ایران می‌شناسد و پرچم ایران را از فراز سفارتخانهٔ جدید پایین کشیدند. پس از این ماجرا احمدشاه عازم انگلستان گردید. قبل از این تاریخ رسم دربار انگلستان بر این بود که همیشه ولیعهد آن کشور به استقبال پادشاهان ایران می‌رفت و پذیرایی می‌نمود و سپس در لندن بین سلاطین دو کشور ملاقات صورت می‌گرفت، اما این بار چون انگلیسی‌ها قصد تحجیب احمدشاه را داشتند جورج پنجم - پادشاه بریتانیا - شخصاً از احمدشاه استقبال کرد. با این حال احمدشاه حاضر نشد در

## مردم ایران از بسته شدن

### قرارداد ۱۹۱۹ ناراضی

### بودند و می‌دانستند که

### قرارداد مزبور، ایران را

### از دست‌نشانندگان دولت

### بریتانیا قرار می‌دهد در

### همه‌جا با آن به مخالفت

### برخاستند

شد. خوشبختانه مجمع اتفاق ملل که تازه در ژنو برپا شده بود، با این قرارداد مخالفت کرد و آن را به رسمیت نشناخت و دولت آمریکا نیز پیمان مورد اشاره را به منزله شکست بیانیۀ پریزیدنت ویلسون، رئیس‌جمهور دوره جنگ آمریکا دانسته و به دولت انگلیس آگاهی داد که دولت آمریکا از این قرارداد پشتیبانی نمی‌نماید. (آشتیانی و پیرنیا، ۱۳۸۰: ۹۹۳)

البته بدهی بود که همه طرفداری‌ها و اعتراضات دولت‌ها در جهت منافع بیشتر برای خود بود. به طوری که معاون وزیر خارجه آمریکا در تلگرافی به سفیر آن کشور در ایران نوشت: «وزارت امور خارجه آمریکا نگران است که چنانچه پیمان به تصویب ایران برسد کمپانی نفتی آمریکا برای به‌دست آوردن امتیازهای نفتی در ایران دچار مشکلات فراوان شود. (<http://porum.p3oparsi.com/showlhvhead>)

سفارت فرانسه اخباری حاکی از مخالفت شدید مردم ایران و مطبوعات با قرارداد منتشر می‌کرد. کار به جایی رسید که نصرت‌الدوله فیروز، وزیر خارجه دولت وثوق‌الدوله، دست به دامان مقامات انگلیسی شد تا از انتشار اخبار مطبوعات آمریکا و فرانسه در ایران جلوگیری کنند.

دولت شوروی در پیامی خطاب به کارگران و دهقانان ایران اعلام داشت که قرارداد ۱۹۱۹، ایران را از زمره کشورهای مستقل جهان محو کرده و ملت ایران را به نابودی کشانیده است و دولت شوروی این قرارداد را به رسمیت نمی‌شناسد. بدین ترتیب در تهران مبارزه با قرارداد گسترش یافت. از جمله یحیی دولت‌آبادی مقاله‌ای با نام مستعار در روزنامه نیمه‌رسمی منتشر کرد و عده زیادی از وعاظ نیز در منابر و مجالس روضه‌خوانی قرارداد را نکوهش نمودند.

### الغای رسمی قرارداد ۱۹۱۹

پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و تغییر اوضاع ایران قرارداد وثوق‌الدوله اثر وجودی خود را از دست داد؛ از این رو انگلیسی‌ها لازم ندیدند که موضوع قرارداد همچنان زبازد عام و خاص باشد و بهانه‌ای به‌دست میلیون ایرانی و جراید و مقامات سیاسی خارجی بدهد. از طرفی دولت روسیه رسماً الغای کلیه عهدنامه‌ها و امتیازاتی را

که دولت روسیه تزاری از ایران گرفته بود اعلام کرد و چیچرین، وزیر امور خارجه شوروی، در نامه‌ای به سیدضیاءالدین، رئیس‌الوزرای ایران، نوشت که دولت جدید شوروی از کلیه اختیارات و قروض دولت ایران و سایر امتیازات مانند عهدنامه ترکمن‌چای و غیره صرف‌نظر کرده و صریحاً الغای آن را اعلام می‌دارد. با این مساعدت‌های دولت شوروی و با پیشرفت‌های ارتش سرخ و توسعه روابط ایران با آن دولت، دیگر وجود قرارداد نه‌تنها برای انگلیسی‌ها ثمری نداشت بلکه به ضرر آنان تمام می‌شد، به‌ویژه که اکنون منافع خود را از طریق کودتا به‌طور دیگری تأمین کرده بودند. به همین جهت وقتی در روز چهارشنبه ۲۳ مارس ۱۹۲۱ (سوم فروردین ۱۳۰۰) دولت ایران طی یادداشتی الغای رسمی قرارداد ۱۹۱۹ را به‌وسیله وزیر امور خارجه خود تسلیم سفارت انگلیس نمود پس از چند روز دولت انگلستان آن را با حسن قبول پذیرفت، به‌علاوه خاطر نشان ساخت که دولت انگلستان با نقشه تجدید تشکیلات و اصلاحات مملکتی و عملیاتی کابینه موافق است و اعتراضی نخواهد داشت. سیدضیاءالدین پس از دریافت خبر رسمی فوق طی بیانیه‌ای که در ۷ فروردین ۱۳۰۰ در تهران منتشر ساخت و رونوشت مفاد آن نیز به‌وسیله تلگراف به کلیه ایالات و ولایات مخابره گردید، با سروصدا و تبلیغات فراوان به اطلاع ملت ایران رسانید و در همه‌جا جشن و چراغانی برپا گردید. پر واضح است که انتشار این بیانیه با خبر الغای قرارداد تأثیر بسیار نیکویی در مردم پدید آورد، زیرا الغای آن یکی از آرزوهای ملی و آمال ایرانیان بود.

#### منابع

۱. شمیم، علی‌اصغر؛ ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: انتشارات تاریخ اسران، ۱۳۶۲.
۲. فردوست، حسین؛ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد ۲، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۱.
۳. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا؛ تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفوی تا پایان جنگ جهانی اول، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۴.
۴. شیخ‌الاسلامی، جواد؛ اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا، جلد ۱، تهران: مؤسسه کیهان، چاپ دوم، ۱۳۶۵.
۵. رمضانی، عباس؛ میرزا کوچک‌خان جنگلی، بی‌جا، انتشارات ترفند، ۱۳۶۲.
۶. پیرنیا، حسن (مشیرالدوله)؛ تاریخ ایران باستان، تهران: نشر مطبوعات، ۱۳۱۱.
۷. اقبال آشتیانی، عباس و پیرنیا، حسن؛ تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه، تهران: انتشارات بهزاد، ۱۳۸۰.



احمدشاه